

مزمور 1

۱ خوشا بحال کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس استهزا کنندگان ننشیند؛

2 بلکه رغبت او در شریعت خدا/وند است و روز و شب در شریعت او تفکر می‌کند.

3 پس مثل درختی نشانده نزد نه‌رهای آب خواهد بود، که میوه خود را در
موسم‌ش می‌دهد، و برگ‌ش پژمرده نمی‌گردد و هر آنچه می‌کند نیک انجام
خواهد بود.

4 شیران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می کند.

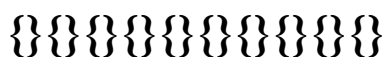
5 لهذا شریران در داوری نخواهند ایستاد و نه گناهکاران در جماعت عادلان.

6 زیرا خداوند طریق عادلان را می داند، ولی طریق گناهکاران هلاک خواهد شد.



مزمور 2

- 1 چرا امّت ها شورش نموده اند و طوائف در باطل تفکر می کنند؟
- 2 پادشاهان زمین برمی خیزند و سروران باهم مشورت نموده اند، به ضد خد/وند و ضد مسیح او؛
- 3 که بندهای ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم.
- 4 او که بر آسمانها نشسته است می خندد. خد/وند بر ایشان استهزا می کند.
- 5 آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت.
- 6 «و من پادشاه خود را نصب کرده ام، بر کوه مقدّس خود صهیون.»
- 7 فرمان را اعلام می کنم: خد/وند به من گفته است: «تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم.
- 8 از من درخواست کن و امّت ها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید.
- 9 ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست؛ مثل کوزه گر آنها را خرد خواهی نمود.»
- 10 و الآن ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبّه گردید!
- 11 خد/وند را با ترس عبادت کنید و بالرز شادی نمایید!
- 12 پسر را ببوسید مبدا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید زیرا غضب او به اندکی افروخته می شود. خوشابحال همه آنانی که بر او توکّل دارند.



مزمور 3

مزمور داود وقتی که از پسر خود ابشالوم فرار کرد

۱ ای خدا/وند دشمنانم چه بسیار شده اند. بسیاری به ضد من برمی خیزند.

2 بسیاری برای جان من می گویند: «به جهت او در خداوند خلاصی نیست.» سلاه.

3 لیکن تو ای خداوند گرداگرد من سپر هستی، جلال من و فرازنده سر من.

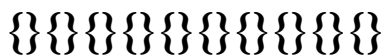
4 به آواز خود نزد خداوند می خوانم و مرا از کوه مقدّس خود اجابت می نماید. **سلاه.**

5 و اما من خسبیده، به خواب رفتم و بیدار شدم زیرا خداوند مرا تقویت می دهد.

6 از کرورهای مخلوق نخواهم ترسید که گرداگرد من صف بسته اند.

7 ای خداوند، برخیز! ای خدای من، مرا برهان! زیرا بر رخسار همه دشمنانم زدی؛ دندانهای شریران را شکستی.

8 نجات از آن خداوند است و برکت تو بر قوم تو می باشد. سلاه.



مزمور 4

برای سالار مغنیان بر نوت اوتار، مزمور داود

- 1 ای خدای عدالت من، چون بخوانم مرا مستجاب فرما. در تنگی مرا وسعت دادی. بر من کرم فرموده، دعای مرا بشنو.
- 2 ای فرزندان انسان تا به کی جلال من عار خواهد بود، و بطالت را دوست داشته، دروغ را خواهید طلبید؟ سلاه.
- 3 اما بدانید که خد/وند مرد صالح را برای خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم خد/وند خواهد شنید.
- 4 خشم گیرید و گناه مورزید. در دلها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید. سلاه.
- 5 قربانی های عدالت را بگذرانید و بر خد/وند توکل نمایید.
- 6 بسیار می گویند: « کیست که به ما احسان نماید؟ » ای خد/وند نور چهره خویش را بر ما برافراز.
- 7 شادمانی در دل من پدید آورده ای، بیشتر از وقتی که غله و شیره ایشان افزون گردید.
- 8 بسلامتی می خسبم و به خواب هم می روم زیرا که تو فقط ای خد/وند مرا در اطمینان ساکن می سازی.

oooooooooooo

برای سالار مغنیان بر ذوات نفخه، مزمور داود

۱ ای خداوند، به سخنان من گوش بده! در تفکر من تأمل فرما!

2 ای پادشاه و خدای من، به آواز فریادم توجه کن زیرا که نزد تو دعا می‌کنم.

3 ای خداوند صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید؛ بامدادان (دعای خود را) نزد تو آراسته می کنم و انتظار می کشم.

4 زیرا تو خدایی نیستی که به شرارت راغب باشی، و گناهکار نزد تو ساکن نخواهد شد.

5 متکبران در نظر تو نخواهند ایستاد. از همه بطالت کنندگان نفرت می کنی.

6 دروغگویان را هلاک خواهی ساخت. خد/وند شخصی خونی و حيله گر را مکروه می دارد.

7 و اما من از کثرت رحمت تو به خانه ات داخل خواهم شد، و از ترس تو بسوی هیكل قدس تو عبادت خواهم نمود.

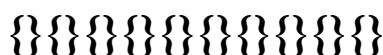
8 ای خداوند، بسبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما و راه خود را پیش روی من راست گردان.

9 زیرا در زبان ایشان راستی نیست؛ باطن ایشان محض شرارت است؛ گلوی ایشان قبر گشاده است و زبانهای خود را جلاء می دهند.

10 ای خدا، ایشان را ملزم ساز تا به سبب مشورت‌های خود بیفتند، و به کثرت خطای ایشان، ایشان را دور انداز زیرا که بر تو فتنه کرده اند،

۱۱ و همه متوکّلانت شادی خواهند کرد و تا به ابد ترثّم خواهند نمود. زیرا که ملجاء ایشان تو هستی و آنانی که اسم تو را دوست می دارند، در تو وجد خواهند نمود.

12 زیرا تو ای خدا/وند مرد عادل را برکت خواهی داد، او را به رضامندی مثل سیر احاطه خواهی نمود.



مزمور 6

برای سالار مغنیان بر نوات اوتار بر ثمانی. مزمور داود

۱ ای خداوند، مرا در غضب خود توبیخ نما و مرا در خشم خویش تأدیب مکن!

2 ای خداوند، بر من کرم فرما زیرا که پژمرده‌ام! ای خداوند، مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم مضطرب است،

3 و جان من بشدت پریشان است. پس تو ای خداوند، تا به کی؟

4 ای خداوند، رجوع کن و جانم را خلاصی ده! به رحمت خویش مرا نجات بخش!

5 زیرا که در موت ذکر تو نمی باشد! در هاویه کیست که تو را حمد گوید؟

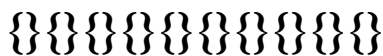
6 از ناله خود وامانده ام! تمامی شب تخت خواب خود را غرق می کنم، و بستر خویش را به اشکها تر می سازم!

7 که چشم من از غصه کاهیده شد و بسبب همه دشمنانم تار گردید.

8 ای همه بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند آواز گریه مرا شنیده است!

9 خداوند استغاثه مرا شنیده است. خداوند دعای مرا اجابت خواهد نمود.

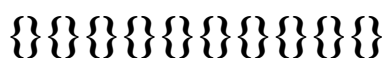
10 همه دشمنانم به شدت خجل و پریشان خواهند شد. روبر گردانیده، ناگهان خجل خواهند گردید.



مزمور 7

سرود داود که آن را برای خداوند سرایید به سبب سخنان گوش بنیامینی

- 1 ای یهوه خدای من، در تو پناه می برم. از همه تعاقب کنندگانم مرا نجات ده و برهان.
- 2 مبادا او مثل شیر جان مرا بدرد، و خرد سازد و نجات دهنده ای نباشد.
- 3 ای یهوه خدای من اگر این را کردم و اگر در دست من ظلمی پیدا شد،
- 4 اگر به خیراندیش خود بدی کردم و بی سبب دشمن خود را تاراج نمودم،
- 5 پس دشمن جانم را تعاقب کند، و آن را گرفتار سازد، و حیات مرا به زمین پایمال کند، و جاللم را در خاک ساکن سازد. سلاه.
- 6 ای خداوند در غضب خود برخیز، به سبب قهر دشمنانم بلند شو و برای من بیدار شو! ای که داوری را امر فرموده ای!
- 7 و مجمع امت ها گرداگرد تو بیایند و بر فوق ایشان به مقام اعلی رجوع فرما.
- 8 خداوند امت ها را داوری خواهد نمود ای خداوند، موافق عدالتم و کمالی که در من است مرا داد بده!
- 9 بدی شریران نابود شود و عادل را پایدار کن زیرا امتحان کننده دلها و قلوب، خدای عادل است.
- 10 سپر من بر خدا می باشد که راست دلان را نجات دهنده است.
- 11 خدا داور عادل است و هر روزه خدا دشمنانک می شود.
- 12 اگر بازگشت نکند شمشیر خود را تیز خواهد کرد؛ کمان خود را کشیده و آماده کرده است.
- 13 و برای او آلات موت را مهیا ساخته و تیرهای خویش را شعله ور گردانیده است.
- 14 اینک به بطالت آبستن شده، و به ظلم حامله گردیده، دروغ را زاییده است.
- 15 حفره ای کند و آن را گود نمود، و در چاهی که ساخت خود بیفتاد.
- 16 ظلم او بر سرش خواهد برگشت و ستم او بر فرقهش فرود خواهد آمد.
- 17 خداوند را بر حسب عدالتش حمد خواهم گفت و اسم خداوند تعالی را تسبیح خواهم خواند.



برای سالار مغنیان برجتیت. مزمور داود

۱ ای یهوه خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را فوق آسمانها گذارده ای!

2 از زبان کودکان و شیر خوارگان به سبب خصمانت قوّت را بنانهادی تا دشمن و انتقام گیرنده را ساکت گردانی.

3 چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت انگشتهای توست، و به ماه و ستارگانی که تو آفریده ای،

4 پس انسان چیست که او را به یاد آوری، و بنی آدم که از او تفقّد نمایی؟

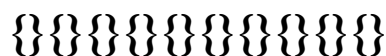
5 او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی.

6 او را بر کارهای دست خودت مسلط نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی،

7 گوسفندان و گاوان جمیعاً، و بهایم صحرا را نیز؛

8 مرغان هوا و ماهيان دريا را، و هر چه بر راهای آبا سیر می کند.

9 ای یهوه خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین!



مزمور 9

برای سالار مغنیان بر موت لبین. مزمور داود

1 خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت؛ جمیع عجایب تو را بیان خواهم کرد.

2 در تو شادی و وجد خواهم نمود؛ نام تو را ای متعال خواهم سرایید.

3 چون دشمنانم به عقب بازگردند، آنگاه لغزیده، از حضور تو هلاک خواهند شد.

4 زیرا انصاف و داوری من کردی. داور عادل بر مسند نشسته ای.

5 امت ها را توبیخ نموده ای و شریران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کرده ای تا ابدالآباد.

6 و اما دشمنان نیست شده خرابه های ابدی گردیده اند؛ و شهرها را ویران ساخته ای، حتی ذکر آنها نابود گردید.

7 لیکن خداوند نشسته است تا ابدالآباد، و تخت خویش را برای داوری برپا داشته است؛

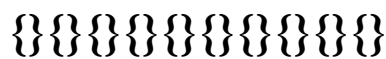
8 و او ربع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد، و امت ها را به راستی داد خواهد داد.

9 و خداوند قلعه بلند برای کوفته شدگان خواهد بود، قلعه بلند در زمانها تنگی.

10 و آنانی که نام تو را می شناسند، بر تو توکل خواهند داشت، زیرا ای خداوند تو طالبان خود را هرگز ترک نکرده ای.

11 خداوند را که بر صهیون نشسته است بسرایید؛ کارهای او را در میان قوم ها اعلان نمایید،

12 زیرا او که انتقام گیرنده خون است، ایشان را به یاد آورده، و فریاد مساکین را فراموش نکرده است.



مزمور 10

1 ای خدا/وند چرا دور ایستاده ای و خود را در وقت های تنگی پنهان می کنی؟

2 از تکبر شریران، فقیر سوخته می شود؛ در مشورت هایی که اندیشیده اند، گرفتار می شوند.

3 زیرا که شریر به شهوات نفس خود فخر می کند، و آنکه می رباید شکر می گوید و خدا/وند را اهانت می کند.

4 شریر در غرور خود می گوید: «بازخواست نخواهد کرد.» همه فکرهای او اینست که خدایی نیست.

5 راههای او همیشه استوار است. احکام تو از او بلند و بعید است. همه دشمنان خود را به هیچ می شمارد.

6 در دل خود گفته است: «هرگز جنبش نخواهم خورد و دور بدور بدی را نخواهم دید.»

7 دهن او از لعنت و مکر و ظلم پر است؛ زیر زبانش مشقت و گناه است؛

8 در کمینهای دهات می نشیند؛ در جایهای مخفی بی گناه را می کشد؛ چشمانش برای مسکینان مراقب است؛

9 در جای مخفی مثل شیر در بیشه خود کمین می کند؛ به جهت گرفتن مسکین کمین می کند؛ فقیر را به دام خود کشیده، گرفتار می سازد.

10 پس کوفته و زبون می شود؛ و مساکین در زیر جباران او می افتند.

11 در دل خود گفت: «خدا فراموش کرده است؛ روی خود را پوشانیده و هرگز نخواهد دید.»

12 ای خدا/وند برخیز! ای خدا دست خود را برافراز و مسکینان را فراموش مکن!

13 چرا شریر خدا را اهانت کرده، در دل خود می گوید: «تو بازخواست نخواهی کرد؟»

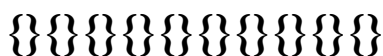
14 البته دیده ای زیرا که تو بر مشقّت و غم می نگری، تا به دست خود مکافات برسانی. مسکین امر خویش را به تو تسلیم کرده است. مددکار یتیمان تو هستی.

15 بازوی گناهکار را بشکن. و اما شریر را از شرارت او بازخواست کن تا آن را نیابی.

16 خداوند پادشاه است تا ابدالآباد. امّت ها از زمین او هلاک خواهند شد.

17 ای خداوند مسألت مسکینان را اجابت کرده ای، دل ایشان را استوار نموده ای و گوش خود را فرا گرفته ای،

18 تا یتیمان و کوفته شدگان را دادرسی کنی. انسانی که از زمین است، دیگر نترساند.



مزمور 11

برای سالار مغنیان. مزمور داود

1 بر خداوند توکل می دارم. چرا به جانم می گوئید: «مثل مرغ به کوه خود بگریزید؟»

2 زیرا اینک شیران کمان را می کشند و تیر را به زه نهاده اند، تا بر راست دلان در تاریکی بیندازند.

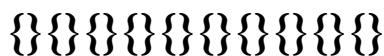
3 زیرا که ارکان منهدم میشوند و مرد عادل چه کند؟

4 خد/وند در هیکل قدس خود است و کرسی خد/وند در آسمان. چشمان او می نگرَد، پلکهای وی بنی آدم را می آزماید.

5 خداوند مرد عادل را امتحان می کند؛ و اما از شریر و ظلم دوست، جان او نفرت می دارد.

6 بر شریر دامهاو آتش و کبریت خواهد بارانید، و باد سموم حصه پیاله ایشان خواهد بود.

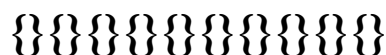
7 زیرا خداوند عادل است و عدالت را دوست می‌دارد، و راستان روی او را خواهند دید.



مزمور 12

برای سالار مغنیان برثمانی. مزمور داود

- 1 ای خداوند نجات بده زیرا که مرد مقدّس نابود شده است و امناء از میان بنی آدم نایاب گردیده اند!
- 2 همه به یکدیگر دروغ می گویند؛ به لبهای چاپلوس و دل منافق سخن می رانند.
- 3 خداوند همه لبهای چاپلوس را منقطع خواهد ساخت، و هر زبانی را که سخنان تکبر آمیز بگوید،
- 4 که می گویند: «به زبان خویش غالب می آییم. لبهای ما با ما است. کیست که بر ما خداوند باشد؟»
- 5 خداوند می گوید: «به سبب غارت مسکینان و ناله فقیران، الآن برمی خیزم و او را در نجاتی که برای آن آه می کشد، برپا خواهم داشت.»
- 6 کلام خداوند کلام طاهر است، نقره مصفای در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده است.
- 7 تو ای خداوند ایشان را محافظت خواهی نمود؛ از این طبقه و تا ابدالآباد محافظت خواهی فرمود.
- 8 شریران به هر جانب می خرامند، وقتی که خبائث در بنی آدم بلند می شود.



مزمور 13

برای سالار مغنیان. مزمور داود.

۱ ای خداوند تا به کی همیشه مرا فراموش می کنی؟ تا به کی روی خود را از من خواهی پوشید؟

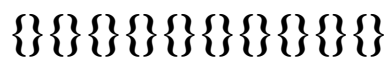
2 تا به کی در نفس خود مشورت بکنم و در دلم هر روزه غم خواهد بود؟ تا به کی دشمنم بر من سرافراشته شود؟

3 ای یهوه خدای من نظر کرده، مرا مستجاب فرما! چشمانم را روشن کن
مبادا به خواب موت بخسبم.

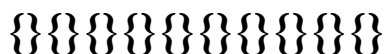
4 مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمد و مخالفانم از پریشانی ام شادی نمایند.

5 و اما من به رحمت تو توکل می دارم؛ دل من در نجات تو شادی خواهد کرد.

6 برای خدا/وند سرود خواهیم خواند زیرا که به من احسان نموده است.



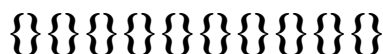
برای سالار مغنیان. مزمور داود



مزمور 16

مزمور داود

- 1 ای خدا مرا محافظت فرما، زیرا بر تو توکل می دارم.
- 2 خداوند را گفتم: «تو خداوند من هستی. نیکویی من نیست غیر از تو.»
- 3 و اما مقدّسانی که در زمین اند و فاضلان، تمامی خویش من در ایشان است.
- 4 دردهای آنانی که عقب (خدای) دیگر می شتابند، بسیار خواهد شد. هدایای خونی ایشان را نخواهم ریخت، بلکه نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد.
- 5 خداوند نصیب قسمت و کاسه من است. تو قرعه مرا نگاه می داری.
- 6 خطّه ها من به جایهای خوش افتاد. میراث بهیّ به من رسیده است.
- 7 خداوند را که مرا نصیحت نمود، متبارک می خوانم. شبانگاه نیز قلبم مرا تنبیه می کند.
- 8 خداوند را همیشه پیش روی خود می دارم. چونکه به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد.
- 9 از این رو دلم شادی می کند و جلالم به وجد می آید؛ جسد من نیز در اطمینان ساکن خواهد شد.
- 10 زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را ببیند.
- 11 طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذت ها تا ابدالآباد!



مزمور 17

صلوات داود

1 ای خداوند، عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما! و دعای مرا که از لب بی ریا می آید، گوش بگیر!

2 داد من از حضور تو صادر شود، چشمان تو راستی را ببیند.

3 دل مرا آزموده ای، شبانگاه از آن تفقد کرده ای. مرا قال گذاشته ای و هیچ نیافته ای، زیرا عزیمت کردم که زبانت تجاوز نکند.

4 و اما کارهای آدمیان به کلام لبهای تو؛ خود را از راههای ظالم نگاه داشتم.

5 قدمهایم به آثار تو قائم است، پس پایهایم نخواهد لغزید.

6 ای خدا تو را خوانده ام زیرا که مرا اجابت خواهی نمود. گوش خود را به من فرا گیر و سخن مرا بشنو.

7 رحمت های خود را امتیاز ده، ای که متوکلان خویش را به دست راست خود از مخالفان ایشان می رهانی.

8 مرا مثل مردمک چشم نگاه دار؛ مرا زیر سایه بال خود پنهان کن،

9 از روی شریرانی که مرا خراب می سازند، از دشمنان جانم که مرا احاطه میکند.

10 دل فربه خود را بسته اند. به زبان خویش سخنان تکبر آمیز می گویند.

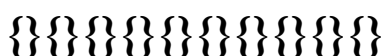
11 الآن قدمهای مرا احاطه کرده اند، و چشمان خود را دوخته اند تا ما را به زمین بیندازند.

12 مثل او مثل شیری است که در دریدن حریص باشد، و مثل شیر ژیان که در بیشه خود در کمین است.

13 ای خداوند برخیز و پیش روی وی درآمده، او را بینداز و جانم را از شریر به شمشیر خود برهان،

14 از آدمیان، ای خداوند، به دست خویش، از اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانی است که شکم ایشان را به ذخایر خود پر ساخته ای و از اولاد سیر شده، زیادی مال خود را برای اطفال خویش ترک می کنند.

15 و اما من روی تو را در عدالت خواهم دید، و چون بیدار شوم، از صورت تو سیر خواهم شد.



مزمور 18

برای سالار مغنیان، داود بنده خداوند که کلام این سرود را به خداوند گفت. در روزی که خداوند او را از دست همه دشمنانش و از دست شاول رهایی داد. پس گفت:

- 1 ای خداوند! ای قوّت من! تو را محبت می نمایم.
- 2 خداوند صخره من است و ملجا و نجات دهنده من. خدایم صخره من است که در او پناه می برم. سپر من و شاخ نجاتم و قلعه بلند من.
- 3 خداوند را که سزاوار کل حمد است، خواهم خواند. پس از دشمنانم رهایی خواهم یافت.
- 4 رَسَنهای موت مرا احاطه کرده، و سیلابهای شرارت مرا ترسانیده بود.
- 5 رَسَنهای گور دور مرا گرفته بود و دامهای موت پیش روی من درآمده.
- 6 در تنگی خود خداوند را خواندم و نزد خدای خویش استغاثه نمود. او آواز مرا از هیکل خود شنید و استغاثه من به حضورش به گوش وی رسید.
- 7 زمین متزلزل و مرتعش شده، اساس کوهها بلرزید و متزلزل گردید چونکه خشم او افروخته شد.
- 8 دُخان از بینی او برآمد و نار از دهانش ملتهب گشت و آتَشها از آن افروخته گردید.
- 9 آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می بود.
- 10 بر کروی سوار شده، پرواز نمود و بر بالهای باد طیران کرد.
- 11 تاریکی را پرده خود و خیمه ای گرداگرد خویش بساخت، تاریک آنها و ابرهای متراکم را.
- 12 از تابش پیش روی وی ابرهایش می شتافتند، تگرگ و آتَشهای افروخته.
- 13 و خداوند از آسمان رعد کرده، حضرت اعلی آواز خود را بداد، تگرگ و آتَشهای افروخته را.

14 پس تیرهای خود را فرستاده، ایشان را پراکنده ساخت، و برقها بینداخت و ایشان را پریشان نمود.

15 آنگاه عمق های آب ظاهر شد و اساس ربع مسکون مکشوف گردید، از تنبیه او ای خد/وند، از نَفْخِه باد بینی تو!

16 پس، از اعلی فرستاده، مرا برگرفت و از آبهای بسیار بیرون کشید.

17 و مرا از دشمنان زورآورم رهایی داد و از خصمانم، زیرا که از من تواناتر بودند.

18 در روز بلای من پیش رویم درآمدند، لیکن خد/وند تکیه گاه من بود.

19 و مرا بجای وسیع بیرون آورد؛ مرا نجات داد زیرا که در من رغبت می داشت.

20 خد/وند موافق عدالتم مرا جزا داد و به حسب طهارت دستم مرا مکافات رسانید.

21 زیرا که راههای خد/وند را نگاه داشته، و به خدای خویش عصیان نورزیده ام،

22 و جمیع احکام او پیش روی من بوده است و فرائض او را از خود دور نکرده ام،

23 و نزد او بی عیب بوده ام و خویشتن را از گناه خود نگاه داشته ام.

24 پس خد/وند مرا موافق عدالتم پاداش داده است و به حسب طهارت دستم در نظر وی.

25 خویشتن را با رحیم، رحیم می نمایم، و با مرد کامل، خود را کامل می نمایم.

26 خویشتن را با طاهر، طاهر می نمایم و با مکار، به مکر رفتار می کنی.

27 زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت.

28 زیرا که تو چراغ مرا خواهی افروخت؛ یهوه خدایم تاریکی مرا روشن خواهد گردانید.

29 زیرا به مدد تو بر فوجها حمله می برم و به خدای خود از حصارها بر می جهم.

30 و اما خدا طریق او کامل است و کلام خداوند مُصفی. او برای همه متوکلان خود سپر است؛

31 زیرا کیست خدا غیر از یهوه؟ و کیست صخره ای غیر از خدای ما؟

32 خدایی که کمر مرا به قوّت بسته و راههای مرا کامل گردانیده است.

33 پایهای مرا مثل آهو ساخته و مرا به مُقامهای اعلای من برپا داشته است.

34 دستهای مرا برای جنگ تعلیم داده است، که کمان برنجین به بازوی من خم شد.

35 سپر نجات خود را به من داده ای. دست راستت عمود من شده و مهربانی تو مرا بزرگ ساخته است.

36 قدمهایم را زیرم وسعت دادی که پایهای من نلغزید.

37 دشمنان خود را تعاقب نموده، بدیشان خواهم رسید و تا تلف نشوند بر نخواهم گشت.

38 ایشان را فرو خواهم کوفت که نتوانند برخاست و زیر پاهای من خواهند افتاد.

39 زیرا کمر مرا برای جنگ به قوّت بسته ای و مخالفانم را زیر پایم انداخته ای.

40 گردنهای دشمنانم را به من تسلیم کرده ای تا خصمان خود را نابود بسازم.

41 فریاد برآوردند اما رهاکننده ای نبود نزد خداوند، ولی ایشان را اجابت نکرد.

42 ایشان را چون غبار پیش باد ساییده ام؛ مثل گِل کوچه ها ایشان را دور ریخته ام.

43 مرا از منازل قوم رهانیده، سر امّت ها ساخته ای. قومی را که نشناخته بودم، مرا خدمت می نمایند.

44 به مجرد شنیدن، مرا اطاعت خواهند کرد؛ فرزندان غربا نزد من تذلل خواهند نمود.

45 فرزندان غربا پژمرده می شوند و در قلعه های خود خواهند لرزید.

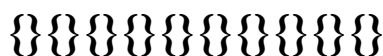
46 خداوند زنده است و صخره من متبارک باد، و خدای نجات من متعال!

47 خدایی که برای من انتقام می گیرد و قوم ها را زیر من مغلوب می سازد.

48 مرا از دشمنانم رهانیده، بر خصمانم بلند کرده ای و از مرد ظالم مرا خلاصی داده ای!

49 لهذا ای خداوند تو را در میان امّت ها حمد خواهم گفت و به نام تو سرود خواهم خواند،

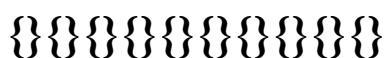
50 که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به مسیح خویش رحمت نموده است. یعنی به داود و ذرّیت او تا ابدالآباد.



مزمور 19

برای سالار مغنیان. مزمور داود.

- 1 آسمان جلال خدا را بیان می کند و فلک از عمل دستهایش خبر می دهد.
- 2 روز سخن می راند تا روز و شب معرفت را اعلان می کند تا شب.
- 3 سخن نیست و کلامی نی و آواز آنها شنیده نمی شود.
- 4 قانون آنها در تمام جهان بیرون رفت و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون.
- 5 خیمه ای برای آفتاب در آنها قرار دارد؛ و او مثل داماد از حجله خود بیرون می آید و مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می کند.
- 6 خروجش از کرانه آسمان است و مدارش تا به کرانه دیگر؛ و هیچ چیز از حرارتش مستور نیست.
- 7 شریعت خداوند کامل است و جان را برمی گرداند؛ شهادت خداوند امین است و جاهل را حکیم می گرداند.
- 8 فیض خداوند راست است و دل را شاد می سازد. امر خداوند پاک است و چشم را روشن می کند.
- 9 ترس خداوند طاهر است و ثابت تا ابدالآباد. احکام خداوند حق و تماماً عدل است.
- 10 از طلا مرغوب تر و از زر خالص بسیار. از شهد شیرینتر و از قطراتِ شانه عسل.
- 11 بنده تو نیز از آنها متنبه می شود، و در حفظ آنها ثواب عظیمی است.
- 12 کیست که سهوهای خود را بداند؟ مرا از خطایای مخفی ام طاهر ساز.
- 13 بنده ات را نیز از اعمال متکبرانه باز دار تا بر من مسلط نشود؛ آنکه بی عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود.
- 14 سخنان زبانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخره من و نجات دهنده من هستی!



برای سالار مغنیان. مزمور داود.

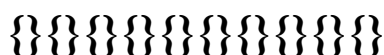
2 نصرت برای تو از قدس خود بفرستد و تو را از صهیون تأیید نماید.

4 موافق دل تو به تو عطا فرماید و همه مشورت ها تو را به انجام رساند.

6 الآن دانسته ام که خداوند مسیح خود را می رهاند. از فلک قدس خود او را اجابت خواهد نمود، به قوت نجات بخش دست راست خویش.

8 ایشان خم شده، افتاده اند و اما ما برخاسته، ایستاده ایم.

9 ای خداوند نجات بده! پادشاه در روزی که بخوانیم، ما را مستجاب فرماید.



مزمور 21

برای سالار مغنیان. مزمور داود.

1 ای خد/وند در قوّت تو پادشاه شادی می کند و در نجات تو چه بسیار به وجد خواهد آمد.

2 مراد دل او را به وی بخشیدی و مسألت زبانش را از او دریغ نداشتی. سلاه.

3 زیرا به برکات نیکو بر مراد او سبقت جستی. تاجی از زر خالص بر سر وی نهادی.

4 حیات را از تو خواست و آن را به وی دادی، و طول ایام را تا ابدالآباد.

5 جلال او به سبب نجات تو عظیم شده، اکرام و حشمت را بر او نهاده ای.

6 زیرا او را مبارک ساخته ای تا ابدالآباد. به حضور خود او را بینهایت شادمان گردانیده ای.

7 زیرا که پادشاه بر خد/وند توکل می دارد، و به رحمت حضرت اعلی جنبش نخواهد خورد.

8 دست تو همه دشمنانت را خواهد دریافت. دست راست تو آنانی را که از تو نفرت دارند خواهد دریافت.

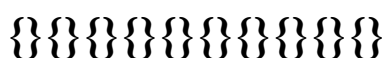
9 در وقت غضب خود، ایشان را چون تنور آتش خواهی ساخت. خد/وند ایشان را در خشم خود خواهد بلعید و آتش ایشان را خواهد خورد.

10 ثمره ایشان را از زمین هلاک خواهی ساخت و ذریت ایشان را از میان بنی آدم.

11 زیرا قصد بدی برای تو کردند و مکایدی را اندیشیدند که آن را نتوانستند بجا آورند.

12 زیرا که ایشان را روگردان خواهی ساخت. بر زههای خود تیرها را به روی ایشان نشان خواهی گرفت.

13 ای خد/وند در قوّت خود متعال شو. جبروت تو را ترنم و تسبیح خواهیم خواند.



مزمور 22

برای سالار مغنیان بر غزاله صبح. مزمور داود

- 1** ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده ای و از نجات من و سخنان فریادم دور هستی؟
- 2** ای خدای من در روز می خوانم و مرا اجابت نمی کنی. در شب نیز و مرا خاموشی نیست.
- 3** و اما تو قدوس هستی، ای که بر تسبیحات اسرائیل نشسته ای.
- 4** پدران ما بر تو توکل داشتند؛ بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی.
- 5** نزد تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند. بر تو توکل داشتند، پس خجل نشدند.
- 6** و اما من کرم هستم و انسان نی؛ عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم.
- 7** هر که مرا ببند به من استهزا می کند. لبهای خود را باز می کنند و سرهای خود را می جنبانند و می گویند:
- 8** «بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد. او را برهاند چونکه به وی رغبت می دارد.»
- 9** زیرا که تو مرا از شکم بیرون آوردی؛ وقتی که بر آغوش مادر خود بودم مرا مطمئن ساختی.
- 10** از رحم بر تو انداخته شدم؛ از شکم مادر خدای من تو هستی.
- 11** از من دور مباش زیرا تنگی نزدیک است و کسی نیست که مدد کند.
- 12** گاوآن نر بسیار دور مرا گرفته اند؛ زورمندان باشان مرا احاطه کرده اند.
- 13** دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درنده غران.
- 14** مثل آب ریخته شده ام و همه استخوانهایم از هم گسیخته؛ دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گداخته شده است.
- 15** قوت من مثل سفال خشک شده و زبانم بکامم چسبیده؛ و مرا به خاک موت نهاده ای.
- 16** زیرا سگان دور مرا گرفته اند؛ جماعت اشرار مرا احاطه کرده، دستها و پایهای مرا سفته اند.

- 17** همه استخوانهای خود را می شمارم. ایشان به من چشم دوخته، مینگرند.
- 18** رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر لباس من قرعه انداختند.
- 19** اما تو ای خد/وند دور مباش. ای قوّت من برای نصرت من شتاب کن.
- 20** جان مرا از شمشیر خلاص کن و یگانه مرا از دست سگان.
- 21** مرا از دهان شیر خلاصی ده، ای که از میان شاخهای گاو وحشی مرا اجابت کرده ای.
- 22** نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد؛ در میان جماعت تو را تسبیح خواهم خواند.
- 23** ای ترسندگان خد/وند او را حمد گوید؛ تمام ذریت یعقوب او را تمجید نمایند و جمیع ذریت اسرائیل از وی بترسید.
- 24** زیرا مسکنّت مسکین را حقیر و خوار نشمرده، و روی خود را از او نپوشانیده است؛ و چون نزد وی فریاد برآورد او را اجابت فرمود.
- 25** تسبیح من در جماعت بزرگ از تو است. نذرهای خود را به حضور ترسندگان ادا خواهم نمود.
- 26** حلیمان غذا خورده، سیر خواهند شد و دلّهای شما زیست خواهد کرد تا ابدالآباد.
- 27** جمیع کرانه های زمین متذکر شده، بسوی خد/وند بازگشت خواهند نمود و همه قبایل امّت ها به حضور تو سجد خواهند کرد.
- 28** زیرا سلطنت از آن خد/وند است و او بر امّت ها مسلط است.
- 29** همه متموّلان زمین غذا خورده، سجد خواهند کرد؛ و به حضور وی هر که به خاک فرو می رود رکوع خواهد نمود؛ و کسی جان خود را زنده نخواهد ساخت.
- 30** ذریتی او را عبادت خواهند کرد و دربارہ خد/وند طبقه بعد را اخبار خواهند نمود.
- 31** ایشان خواهند آمد و از عدالت او خبر خواهند داد قومی را که متولد خواهند شد، که او این کار کرده است.



مزمور 25

مزمور داود

1 ای خداوند، بسوی تو جان خود را بر می افرازم. ای خدای من بر تو توکل می دارم.

2 پس مگذار که خجل بشوم و دشمنانم بر من فخر نمایند.

3 بلی هر که انتظار تو می کشد خجل نخواهد شد. آنانی که بی سبب خیانت می کنند خجل خواهند گردید.

4 ای خداوند، طریق های خود را به من بیاموز و راههای خویش را به من تعلیم ده.

5 مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده زیرا تو خدای نجات من هستی. تمامی روز منتظر تو بوده ام.

6 ای خداوند، احسانات و رحمت های خود را بیاد آور چونکه آنها از ازل بوده است.

7 خطایای جوانی و عصیانم را بیاد میاور. ای خداوند به رحمت خود و به خاطر نیکویی خویش مرا یاد کن.

8 خداوند نیکو و عادل است، پس به گناه کاران طریق را خواهد آموخت.

9 مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد.

10 همه راههای خداوند رحمت و حق است برای آنانی که عهد و شهادت او را نگاه می دارند.

11 ای خداوند به خاطر اسم خود، گناه مرا بیامرز زیرا که بزرگ است.

12 کیست آن آدمی که از خداوند می ترسد؟ او را بطریقی که اختیار کرده است خواهد آموخت.

13 جان او در نیکویی شب را بسر خواهد برد و ذریت او وارث زمین خواهند شد.

14 سرّ خداوند با ترسندگان او است و عهد او تا ایشان را تعلیم دهد.

15 چشمان من دائماً بسوی خداوند است زیرا که او پایهای مرا از دام بیرون می آورد.

16 بر من ملتفت شده، رحمت بفرما زیرا که منفرد و مسکین هستم.

17 تنگیهای دل من زیاد شده است. مرا از مشقت های من بیرون آور.

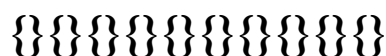
18 بر مسکنت و رنج من نظر افکن و جمیع خطایایم را بیامرز.

19 بر دشمنانم نظر کن زیرا که بسیارند و به کینه تلخ به من کینه می ورزند.

20 جانم را حفظ کن و مرا رهایی ده تا خجل نشوم زیرا بر تو توکل دارم.

21 کمال و راستی حافظ من باشند زیرا که منتظر تو هستم.

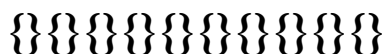
22 ای خدا، اسرائیل را خلاصی ده، از جمیع مشقت های وی.



مزمور 26

مزمور داود

- 1** ای خداوند مرا داد بده زیرا که من در کمال خود رفتار نموده ام و بر خداوند توکل داشته ام، پس نخواهم لغزید.
- 2** ای خداوند مرا امتحان کن و مرا بیازما. باطن و قلب مرا مصفی گردان.
- 3** زیرا که رحمت تو در مدّ نظر من است و در راستی تو رفتار نموده ام؛
- 4** با مردان باطل ننشسته ام و با منافقین داخل نخواهم شد.
- 5** از جماعت بدکاران نفرت می دارم و با طالحین نخواهم نشست.
- 6** دستهای خود را در صفا می شویم. مذبج تو را ای خداوند طواف خواهم نمود،
- 7** تا آواز حمد تو را بشنوانم و عجایب تو را اخبار نمایم.
- 8** ای خداوند محل خانه تو را دوست می دارم و مقام سکونت جلال تو را.
- 9** جانم را با گناهکاران جمع مکن و نه حیات مرا با مردمان خون ریز،
- 10** که در دستهای ایشان آزار است و دست راست ایشان پر از رشوه است.
- 11** و اما من در کمال خود سالک می باشم. مرا خلاصی ده و بر من رحم فرما.
- 12** پایم در جای هموار ایستاده است. خداوند را در جماعت ها متبارک خواهم خواند.



مزمور 27

مزمور داود

1 خداوند نور من و نجات من است؛ از کِه بترسم؟ خداوند ملجای جان من است؛ از کِه هراسان شوم؟

2 چون شریران بر من نزدیک آمدند تا گوشت مرا بخورند، یعنی خصمان و دشمنانم، ایشان لغزیردند و افتادند.

3 اگر لشکری بر من فرود آید، دلم نخواهد ترسید. اگر جنگ بر من برپا شود، در این نیز اطمینان خواهم داشت.

4 یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید: که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم تا جمال خداوند را مشاهده کنم و در هیكل او تفکر نمایم.

5 زیرا که در روز بلا مرا در سایبان خود نهفته، در پرده خیمه خود مرا مخفی خواهد داشت و مرا بر صخره بلند خواهد ساخت.

6 و الآن سرم بر دشمنانم گرداگردم برافراشته خواهد شد. قربانی های شادکامی را در خیمه او خواهم گذرانید و برای خداوند سرود و تسبیح خواهم خواند.

7 ای خداوند چون به آواز خود می خوانم، مرا بشنو و رحمت فرموده، مرا مستجاب فرما.

8 دل من به تو می گوید (که گفته ای): « روی مرا بطلبید.» بلی روی تو را ای خداوند خواهم طلبید.

9 روی خود را از من مپوشان و بنده خود را در خشم بر مگردان. تو مددکار من بوده ای. ای خدای نجاتم مرا رد مکن و ترک منما.

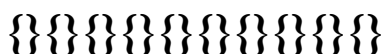
10 چون پدر و مادرم مرا ترک کنند، آنگاه خداوند مرا برمی دارد.

11 ای خداوند طریق خود را به من بیاموز و به سبب دشمنانم مرا به راه راست هدایت فرما.

12 مرا به خواهش خصمانم مسپار، زیرا که شهود کذب و دمنندگان ظلم بر من برخاسته اند.

13 اگر باور نمی کردم که احسان خداوند را در زمین زندگان ببینم.

14 برای خداوند منتظر باش و قوی شو و دلت را تقویت خواهد داد. بلی منتظر خداوند باش.



مزمور 28

مزمور داود

1 ای خداوند، نزد تو فریاد بر می آورم. ای صخره من، از من خاموش مباش، مبادا اگر از من خاموش شوی، مثل آنانی باشم که به حفره فرو میروند.

2 آواز تضرع مرا بشنو چون نزد تو استغاثه می کنم و دست خود را به محراب قدس تو بر می افرازم.

3 مرا با شریران و بدکاران مکش که با همسایگان خود سخن صلح آمیز می گویند و آزار در دل ایشان است.

4 آنها را به حسب کردار ایشان و موافق اعمال زشت ایشان بده آنها را مطابق عمل دست ایشان بده و رفتار ایشان را به خودایشان رد نما.

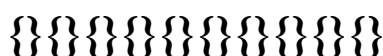
5 چونکه در اعمال خداوند و صنعت دست وی تفکر نمی کنند. ایشان را منهدم خواهی ساخت و بنا نخواهی نمود.

6 خداوند متبارک باد زیرا که آواز تضرع مرا شنیده است.

7 خداوند قوّت من و سپر من است. دلم بر او توکل داشت و مدد یافته ام. پس دل من به وجد آمده است و به سرود خود او را حمد خواهم گفت.

8 خداوند قوّت ایشان است و برای مسیح خود قلعه نجات.

9 قوم خود را نجات ده و میراث خود را مبارک فرما. ایشان را رعایت کن و برافراز تا ابدالآباد.



مزمور 30

سرود برای متبرک ساختن خانه. مزمور داود

1 ای خداوند تو را تسبیح می خوانم زیرا که مرا بالا کشیدی و دشمنانم را بر من مفتخر نساختی.

2 ای یهوه خدای من، نزد تو استغاثه نمودم و مرا شفا دادی.

3 ای خداوند جانم را از حفره برآوردی. مرا زنده ساختی تا به هاویه فرو نروم.

4 ای مقدّسان خداوند او را بسرایید و به ذکر قدوسیّت او حمد گوید!

5 زیرا که غضب او لحظه ای است و در رضامندی او زندگانی شامگاه گریه نزیل می شود. صبحگاهان شادی رخ می نماید.

6 و اما من در کامیابی خود گفتم: « جنبش نخواهم خورد تا ابدالآباد.»

7 ای خداوند به رضامندی خود کوه مرا در قوّت ثابت گردانیدی و چون روی خود را پوشانیدی پریشان شدم.

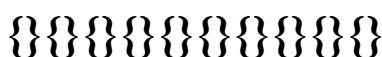
8 ای خداوند نزد تو فریاد برمی آورم و نزد خداوند تضرع می نمایم.

9 در خون من چه فایده است چون به حفره فرو روم؟ آیا خاک تو را حمد می گوید و راستی تو را اخبار می نماید؟

10 ای خداوند مددکار من باش.

11 ماتم مرا برای من به رقص مبدل ساخته ای. پلاس را از من بیرون کرده و کمر مرا به شادی بسته ای.

12 تا جلالم ترا سرود خواند و خاموش نشود. ای یهوه خدای من، تو را حمد خواهم گفت تا ابدالآباد.



مزمور 31

برای سالار مغنیان. مزمور داود.

- 1 ای خداوند بر تو توکل دارم؛ پس مرا نجات بده.
- 2 گوش خود را به من فراگیر و مرا به زودی برهان. برایم صخره ای قوی و خانه ای حصین باش تا مرا خلاصی دهی.
- 3 زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود مرا هدایت و رهبری فرما.
- 4 مرا از دامی که برایم پنهان کرده اند بیرون آور.
- 5 زیرا قلعه من تو هستی. روح خود را به دست تو می سپارم. ای یهوه، خدای حق، تو مرا فدیة دادی.
- 6 از آنانی که اباطیل دروغ را پیروی می کنند نفرت می کنم. و اما من بر خداوند توکل می دارم.
- 7 به رحمت تو وجد و شادی می کنم زیرا مشقت مرا دیده و جانم را در تنگیها شناخته ای.
- 8 مرا به دست دشمن اسیر نساخته ای. پایهای مرا بجای وسیع قائم گردانیده ای.
- 9 ای خداوند بر من رحمت فرما زیرا در تنگی هستم. چشم من از غصه کاهیده شد، بلکه جانم و جسمم نیز.
- 10 زیرا که حیاتم از غم و سالهایم از ناله فانی گردیده است. قوتّم از گناهم ضعیف و استخوانهایم پوسیده شد.
- 11 نزد همه دشمنان عار گردیده ام. خصوصاً نزد همسایگان خویش؛ و باعث خوف آشنایان شده ام. هر که مرا بیرون ببند از من می گریزد.
- 12 مثل مرده از خاطر فراموش شده ام و مانند ظرف تلف شده گردیده ام.

13 زیرا که بهتان را از بسیاری شنیدم و خوف گرداگرد من می باشد، زیرا
بر من با هم مشورت می کنند و در قصد جانم تفکر می نمایند.

14 و اما من بر تو ای خداوند توکل می دارم و گفته ام خدای من تو هستی.

15 و قتهای من در دست تو می باشد. مرا از دست دشمنانم و جفا کنندگانم
خلاصی ده.

16 روی خود را بر بنده ات تابان ساز و مرا به رحمت خود نجات بخش.

17 ای خداوند خجل نشوم چونکه تو را خوانده ام. شریران خجل شوند و در
حفره خاموش باشند.

18 لبهای دروغگو گنگ شود که به درستی و تکبر و استهانت بر عادلان
سخن می گوید.

19 زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده ای و برای
متوکلانت پیش بنی آدم ظاهر ساخته ای.

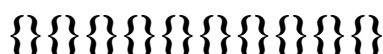
20 ایشان را در پرده روی خود از مکاید مردم خواهی پوشانید. ایشان را
در خیمه ای از عداوت زبانها مخفی خواهی داشت.

21 متبارک باد خداوند که رحمت عجیب خود را در شهر حصین به من
ظاهر کرده است.

22 و اما من در حیرت خود گفتم که از نظر تو منقطع شده ام. لیکن چون
نزد تو فریاد کردم آواز تضرع مرا شنیدی.

23 ای جمیع مقدّسان خداوند او را دوست دارید. خداوند اُمنّا را محفوظ
میدارد و متکبران را مجازات کثیر می دهد.

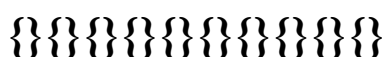
24 قوی باشید و دل شما را تقویت خواهد داد، ای همگانی که برای خداوند
انتظار می کشید!



مزمور 32

قصیده داود

- 1 خوشابحال کسی که عصیان او آمرزیده شد و گناه وی مستور گردید.
- 2 خوشابحال کسی که خدا/وند به وی جرمی در حساب نیاورد و در روح او حيله ای نمی باشد.
- 3 هنگامی که خاموش می بودم، استخوانهایم پوسیده می شد از نعره ای که تمامی روز می زدم.
- 4 چونکه دست تو روز و شب بر من سنگین می بود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید. سلاه.
- 5 به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم. گفتم: عصیان خود را نزد خدا/وند اقرار می کنم پس تو آلائش گناهم را عفو کردی. سلاه.
- 6 از این رو هر مقدّسی در وقت اجابت نزد تو دعا خواهد کرد. وقتی که آبهای بسیار به سیلان آید، هرگز بدو نخواهد رسید.
- 7 تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد. مرا به سرودهای نجات احاطه خواهی نمود، سلاه.
- 8 تو را حکمت خواهم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود و تو را به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهم فرمود.
- 9 مثل اسب و قاطر بی فهم مباشید که آنها را برای بستن به دهنه و لگام زینت می دهند، والا نزدیک تو نخواهند آمد.
- 10 غمهای شریر بسیار می باشد، امّا هر که بر خدا/وند توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد.
- 11 ای صالحان در خدا/وند شادی و وجد کنید و ای همه راست دلان ترنّم نمایید.



مزمور 33

- 1 ای صالحان در خد/وند شادی نمایید، زیرا که تسبیح خواندن راستان را می‌شاید.
- 2 خد/وند را با بربط حمد بگویید؛ با عود ده تار او را سرود بخوانید.
- 3 سرودی تازه برای او بسرایید؛ نیکو بنوازید با آهنگ بلند.
- 4 زیرا کلام خد/وند مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است.
- 5 عدالت و انصاف را دوست می‌دارد. جهان از رحمت خد/وند پر است.
- 6 به کلام خد/وند آسمانها ساخته شد و کل جنود آنها به نَفَخِه دهان او.
- 7 آبهای دریا را مثل توده جمع می‌کند و لَجّه ها را در خزانه ها ذخیره مینماید.
- 8 تمامی اهل زمین از خد/وند بترسند؛ جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند.
- 9 زیرا که او گفت و شد؛ او امر فرمود و قایم گردید.
- 10 خد/وند مشورت امّت ها را باطل می‌کند؛ تدبیرهای قبائل را نیست میگرداند.
- 11 مشورت خد/وند قائم است تا ابدالآباد؛ تدابیر قلب او تا دهرالدّه‌ور.
- 12 خوشابحال امّتی که یهوه خدای ایشان است و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است.
- 13 از آسمان خد/وند نظر افکند و جمیع بنی آدم را نگریست.
- 14 از مکان سکونت خویش نظر می‌افکند، بر جمیع ساکنان جهان.
- 15 او که دلهای ایشان را جمیعاً سرشته است و اعمال ایشان را درک نموده است.

16 پادشاه به زیادتی لشکر خلاص نخواهد شد و جبار به بسیاری قوّت
رہایی نخواهد یافت.

17 اسب به جهت استخلاص باطل است و به شدت قوّت خود کسی را
رہایی نخواهد داد.

18 اینک چشم خد/وند بر آنانی است که از او می ترسند، بر آنانی که
انتظار رحمت او را می کشند.

19 تا جان ایشان را از موت رہایی بخشد وایشان را در قحط زنده نگاه
دارد.

20 جان ما منتظر خد/وند می باشد. او اعانت و سپر ما است.

21 زیرا که دل ما در او شادی می کند و در نام قدوس او توکل می داریم.

22 ای خد/وند رحمت تو بر ما باد، چنانکه امیدوار تو بوده ایم.

}}}}}}}}}}}}}}

مزمور 34

داود وقتی که منش خود را به حضور آبیملک
تغییر داد و از حضور او بیرون رانده شده، برفت.

1 خداوند را در هر وقت متبارک خواهیم گفت. تسبیح او دائماً بر زبان من
خواهد بود.

2 جان من در خداوند فخر خواهد کرد. مسکینان شنیده، شادی خواهند
نمود.

3 خداوند را با من تکبیر نمایید. نام او را با یکدیگر بر افرازیم.

4 چون خداوند را طلبیدم، مرا مستجاب فرمود و مرا از جمیع ترسهایم
خلاصی بخشید.

5 بسوی او نظر کردند و منور گردیدند و رویهای ایشان خجل نشد.

6 این مسکین فریاد کرد و خداوند او را شنید و او را از تمامی تنگیهایش
رهایی بخشید.

7 فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان او است؛ اردو زده، ایشان را میرهاند.

8 بچشید و ببینید که خداوند نیکو است. خوشابحال شخصی که بدو توکل
میدارد.

9 ای مقدّسان خداوند از او بترسید زیرا که ترسندگان او را هیچ کمی
نیست.

10 شیربچگان بی نوا شده، گرسنگی می کشند و امّا طالبان خداوند را به
هیچ چیز نیکو کمی نخواهد شد.

11 ای اطفال بیایید مرا بشنوید و ترس خداوند را به شما خواهیم آموخت.

12 کیست آن شخصی که آرزومند حیات است و طول ایام را دوست می
دارد تا نیکویی را ببیند؟

13 زبانت را از بدی نگاه دار و لبهایت را از سخنان حيله آمیز؛

14 از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن؛ صلح را طلب نما و در پی آن بکوش.

15 چشمان خد/وند بسوی صالحان است و گوشهای وی بسوی فریاد ایشان.

16 روی خد/وند بسوی بدکاران است تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد.

17 چون (صالحان) فریاد برآوردند، خد/وند ایشان را شنید و ایشان را از همه تنگیهای ایشان رهایی بخشید.

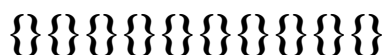
18 خد/وند نزدیک شکسته دلان است و روح کوفتگان رانجات خواهد داد.

19 زحمات مرد صالح بسیار است، امّا خد/وند او را از همه آنها خواهد رهانید.

20 همه استخوانهای ایشان را نگاه می دارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد.

21 شریر را شرارت هلاک خواهد کرد و از دشمنان مرد صالح مؤآخذه خواهد شد.

22 خد/وند جان بندگان خود را فدیة خواهد داد و از آنانی که بر وی توکل دارند مؤآخذه نخواهد شد.



مزمور 35

مزمور داود

1 ای خداوند با خصمان من مخاصمه نما و جنگ کن با آنانی که با من جنگ می کنند.

2 پیر و مِجَنّ را بگیر و به اعانت من برخیز،

3 و نیزه را راست کن و راه را پیش روی جفا کنندگانم ببند و به جان من بگو من نجات تو هستم.

4 خجل و رسوا شوند آنانی که قصد جان من دارند؛ و آنانی که بداندیش منند، برگردانیده و خجل شوند.

5 مثل کاه پیش روی باد باشند و فرشته خداوند ایشان را براند.

6 راه ایشان تاریکی و لغزنده باد و فرشته خداوند ایشان را تعاقب کند.

7 زیرا دام خود را برای من بی سبب در حفره ای پنهان کردند که آن را برای جان من بی جهت کنده بودند.

8 هلاکت ناگهانی بدو برسد و دامی که پنهان کرد خودش را بگیرد و در آن به هلاکت گرفتار گردد.

9 و اما جان من در خداوند وجد خواهد کرد و در نجات او شادی خواهد نمود.

10 همه استخوانهایم می گویند: «ای خداوند کیست مانند تو که مسکین را از شخص قوی تر از او می رهاند و مسکین و فقیر را از تاراج کننده وی!»

11 شاهدان کینه ور برخاسته اند. چیزهایی را که نمی دانستم از من میپرسند.

12 به عوض نیکویی بدی به من می کنند. جان مرا بی کس گردانیده اند.

13 و اما من چون ایشان بیمار می بودند، پلاس می پوشیدم؛ جان خود را به روزه می رنجانیدم و دعایم به سینه ام برمی گشت.

14 مثل آنکه او دوست و برادرم می بود، سرگردان می رفتم. چون کسی که برای مادرش ماتم گیرد، از حزن خم می شدم.

15 ولی چون افتادم شادی کنان جمع شدند. آن فرومایگان بر من جمع شدند، و کسانی که نشناخته بودم مرا دریدند و ساکت نشستند.

16 مثل فاجرانی که برای نان مسخرگی می کنند، دندانهای خود را بر من می افشردند.

17 ای خداوند تا به کی نظر خواهی کرد؟ جانم را از خرابیهای ایشان برهان و یگانه مرا از شیربچگان.

18 و تو را در جماعت بزرگ حمد خواهم گفت. ترا در میان قوم عظیم تسبیح خواهم خواند.

19 تا آنانی که بی سبب دشمن منند، بر من فخر نکنند، و آنانی که بر من بی سبب بغض می نمایند، چشمک نزنند.

20 زیرا برای سلامتی سخن نمی گویند و بر آنانیکه در زمین آرامند، سخنان حيله آمیز را تفکر می کنند.

21 و دهان خود را بر من باز کرده، می گویند هَه هَه چشم ما دیده است.

22 ای خداوند تو آن را دیده ای، پس سکوت مفرما. ای خداوند از من دور مباش.

23 خویشتن را برانگیز و برای داد من بیدار شو، ای خدای من و خداوند من، برای دعوی من.

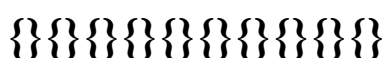
24 ای یهوه خدایم مرا موافق عدل خود داد بده، مبادا بر من شادی نمایند.

25 تا در دل خود نگویند: «اینک مراد ما؛» تا نگویند «او را بلعیده ایم!»

26 و آنانی که در بدی من شادند، با هم خجل و شرمند شوند؛ و آنانی که بر من تکبر می کنند، به خجلت و رسوایی ملبس شوند.

27 آنانی که خواهان حق منند ترثم و شادی نمایند و دائماً گویند خداوند بزرگ است که به سلامتی بنده خود رغبت دارد.

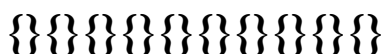
28 و زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد و تسبیح تو را تمامی روز.



مزمور 36

برای سالار مغنیان. مزمور داود بنده خداوند

- 1** معصیت شریر در اندرون دل من می گوید که ترس خدا در مد نظر او نیست.
- 2** زیرا خویشان را در نظر خود تملق می گوید تا گناهش ظاهر نشود و مکروه نگردد.
- 3** سخنان زبانش شرارت و حيله است از دانشمندی و نیکوکاری دست برداشته است.
- 4** شرارت را بر بستر خود تفکر می کند. خود را به راه ناپسند قائم کرده، از بدی نفرت ندارد.
- 5** ای خداوند رحمت تو در آسمانها است و امانت تو تا افلاک.
- 6** عدالت تو مثل کوههای خداست و احکام تو لجه عظیم. ای خداوند انسان و بهایم را نجات می دهی.
- 7** ای خدا رحمت تو چه ارجمند است. بنی آدم زیر سایه بالهای تو پناه می برد.
- 8** از چربی خانه تو شاداب می شوند. از نهر خوشیهای خود ایشان را می نوشانی.
- 9** زیرا که نزد تو چشمه حیات است و در نورتو، نور را خواهیم دید.
- 10** رحمت خود را برای عارفان خود مستدام فرما و عدالت خود را برای راست دلان.
- 11** پای تکبر بر من نیاید و دست شریران مرا گریزان نسازد.
- 12** در آنجا بدکرداران افتاده اند. ایشان انداخته شده اند و نمی توانند برخاست.



مزمور 37

مزمور داود

- 1** به سبب شریران خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد مبر.
- 2** زیرا که مثل علف به زودی بریده می شوند و مثل علف سبز پژمرده خواهند شد.
- 3** بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن. در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو.
- 4** و در خداوند تمنع ببر، پس مسألت دل تو را به تو خواهد داد.
- 5** طریق خود را به خداوند بسپار و بر وی توکل کن که آن را انجام خواهد داد،
- 6** و عدالت تو را مثل نور بیرون خواهد آورد و انصاف تو را مانند ظهر.
- 7** نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و از شخص فرخنده طریق و مرد حيله گر خود را مشوش مساز.
- 8** از غضب برکنار شو و خشم را ترک کن. خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد.
- 9** زیرا که شریران منقطع خواهند شد. و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود.
- 10** هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود.
- 11** و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید.
- 12** شریر بر مرد عادل شوری می کند و دندانها خود را بر او می افشرد.
- 13** خداوند بر او خواهد خندید. زیرا می بیند که روز او می آید.

14 شریران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده اند تا مسکین و فقیر را بیندازند و راست روان را مقتول سازند.

15 شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد.

16 نعمت اندک یک مرد صالح بهتر است، از اندوخته های شریران کثیر.

17 زیرا که بازوهای شریران شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خد/وند تأیید می کند.

18 خد/وند روزهای کاملان را میداند و میراث ایشان خواهد بود تا ابدالآباد.

19 در زمان بلا خجل نخواهند شد، و در ایام قحط سیر خواهند بود.

20 زیرا شریران هلاک می شوند و دشمنان خد/وند مثل خرّ می مرتعها فانی خواهند شد. بلی مثل دُخان فانی خواهند گردید.

21 شریر قرض می گیرد و وفا نمی کند و اما صالح رحیم و بخشنده است.

22 زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند. و اما آنانی که ملعون وی اند، منقطع خواهند شد.

23 خد/وند قدمهای انسان را مستحکم می سازد، و در طریق هایش سرور می دارد.

24 اگرچه بیفتد افکنده نخواهد شد زیرا خد/وند دستش را می گیرد.

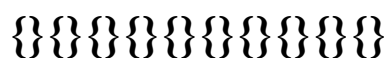
25 من جوان بودم و الآن پیر هستم و مرد صالح را هرگز متروک ندیده ام و نه نسلش را که گدای نان بشوند.

26 تمامی روز رؤوف است و قرض دهنده، و ذریت او مبارک خواهند بود.

27 از بدی برکنار شو و نیکویی بکن. پس ساکن خواهی بود تا ابدالآباد.

28 زیرا خد/وند انصاف را دوست می دارد و مقدّسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان محفوظ خواهند بود تا ابدالآباد. و اما نسل شریر منقطع خواهد شد.

- 29** صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود.
- 30** دهان صالح حکمت را بیان می کند و زبان او انصاف را ذکر می نماید.
- 31** شریعت خدای وی در دل اوست. پس قدمهایش نخواهد لغزید.
- 32** شریر برای صالح کمین می کند و قصد قتل وی می دارد.
- 33** خداوند او را در دستش ترک نخواهد کرد و چون به داوری آید بر وی فتوا نخواهد داد.
- 34** منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تا تو را به وراثت زمین برافرازد. چون شریران منقطع شوند آن را خواهی دید.
- 35** شریر را دیدم که ظلم پیشه بود و مثل درخت بومی سبزخود را به هر سو می کشید.
- 36** اما گذشت و اینک نیست گردید و او را جستجو کردم و یافت نشد.
- 37** مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را ببین زیرا که عاقبت آن مرد سلامتی است.
- 38** اما خطاکاران جمیعاً هلاک خواهند گردید و عاقبت شریران منقطع خواهد شد.
- 39** و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی او قلعه ایشان خواهد بود.
- 40** و خداوند ایشان را اعانت کرده، نجات خواهد داد. ایشان را از شریران خلاص کرده، خواهد رهانید زیرا بر او توکل دارند.



مزمور 38

مزمور داود برای تذکر

1 ای خداوند مرا در غضب خود توبیخ منما و در خشم خویش تأدیبم مفرما.

2 زیرا که تیرهای تو در من فرو رفته و دست تو بر من فرود آمده است.

3 در جسد من به سبب غضب تو صحتی نیست و در استخوانهایم به سبب خطای خودم سلامتی نی.

4 زیرا گناهانم از سرم گذشته است. مثل بار گران از طاقتم سنگین تر شده.

5 جراحات من متعفن و مقروح شده است، به سبب حماقت من.

6 به خود می پیچم و بی نهایت منحنی شده ام. تمامی روز ماتم کنان تردد می کنم.

7 زیرا کمر من از سوزش پر شده است و در جسد من صحتی نیست.

8 من بی حس و بی نهایت کوفته شده ام و از فغان دل خود نعره می زنم.

9 ای خداوند تمامی آرزوی من در مد نظر تو است و ناله های من از تو مخفی نمی باشد.

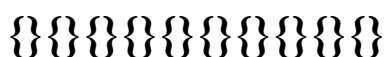
10 دل من می طپد و قوتم از من رفته است و نور چشمانم نیز با من نیست.

11 دوستان و رفیقانم از بلای من برکنار می ایستند و خویشان من دور ایستاده اند.

12 آنانی که قصد جانم دارند دام می گسترند و بداندیشانم سخنان فتنه انگیز می گویند و تمام روز حيله را تفکر می کنند.

13 و اما من مثل کر نمی شنوم؛ و مانند گنگم که دهان خود را باز نکند.

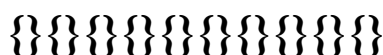
14 و مثل کسی گردیده ام که نمی شنود و کسی که در زبانش حجتی نباشد.



مزمور 39

برای یوتون سالار مغنیان. مزمور داود

- 1 گفتم راههای خود را حفظ خواهم کرد تا به زبانم خطا نورزم. دهان خود را به لگام نگاه خواهم داشت، مادامی که شریر پیش من است.
- 2 من گنگ بودم و خاموش و از نیکویی نیز سکوت کردم و درد من به حرکت آمد.
- 3 دلم در اندرونم گرم شد. چون تفکر می کردم آتش افروخته گردید. پس به زبان خود سخن گفتم.
- 4 ای خداوند اجل مرا بر من معلوم ساز و مقدار ایامم را که چیست تا بفهمم چه قدر فانی هستم.
- 5 اینک روزهایم را مثل یک وجب ساخته ای و زندگانی ام در نظر تو هیچ است. یقیناً هر آدمی محض بطالت قرار داده شد. سِیَلاه.
- 6 اینک انسان در خیال رفتار میکند و نمی داند کیست که از آن تمتع خواهد برد.
- 7 و الآن ای خداوند برای چه منتظر باشم؟ امید من بر تو می باشد.
- 8 مرا از همه گناهانم برهان و مرا نزد جاهلان عار مگردان.
- 9 من گنگ بودم و زبان خود را باز نکردم زیرا که تو این را کرده ای.
- 10 بلای خود را از من بردار زیرا که از ضرب دست تو من تلف می شوم.
- 11 چون انسان را به سبب گناهش به عتابها تأدیب می کنی، نفایس او را مثل بید می گذاری. یقیناً هر انسان محض بطالت است. سِیَلاه.
- 12 ای خداوند دعای مرا بشنو و به فریادم گوش بده و از اشکهایم ساکت مباش. زیرا که من غریب هستم و در نزد تو و نزیل هستم مثل جمیع پدران خود.
- 13 روی (خشم) خود را از من بگردان تا فرحناک شوم قبل از آنکه رحلت کنم و نایاب گردم.



مزمور 40

برای سالار مغنیان. مزمور داود

- 1** انتظار بسیار برای خداوند کشیده ام و به من مایل شده، فریاد مرا شنید.
- 2** و مرا از چاه هلاکت برآورد و از گِلِ لجن و پایهایم را بر صخره گذاشته، قدمهایم را مستحکم گردانید.
- 3** و سرودی تازه در دهانم گذارد یعنی حمد خدای ما را. بسیاری چون این را بینند ترسان شده، بر خداوند توکل خواهند کرد.
- 4** خوشابحال کسی که بر خداوند توکل دارد و به متکبران ظالم و مرتدان دروغ مایل نشود.
- 5** ای یَهُوَه خدای ما چه بسیار است کارهای عجیب که تو کرده ای و تدبیرهایی که برای ما نموده ای. در نزد تو آنها را تقویم نتوان کرد، اگر آنها را تقریر و بیان بکنم، از حد شمار زیاده است.
- 6** در قربانی و هدیه رغبت نداشتی. اما گوشهای مرا باز کردی. قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی.
- 7** آنگاه گفتم: «اینگ می آیم! در طومار کتاب درباره من نوشته شده است.
- 8** در بجا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت می دارم و شریعت تو در اندرون من است.»
- 9** در جماعت بزرگ به عدالت بشارت داده ام. اینک لبهای خود را باز نخواهم داشت و تو ای خداوند می دانی.
- 10** عدالت تو را در دل خود مخفی نداشته ام. امانت و نجات تو را بیان کرده ام رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکرده ام.
- 11** پس تو ای خداوند لطف خود را از من باز مدار. رحمت و راستی تو دائماً مرا محافظت کند.

12 زیرا که بلایای بیشمار مرا احاطه می کند. گناهانم دور مرا گرفته است به حدی که نمی توانم دید. از مویهای سر من زیاده است و دل من مرا ترک کرده است.

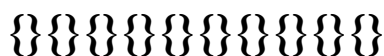
13 ای خداوند مرحمت فرموده، مرا نجات بده. ای خداوند به اعانت من تعجیل فرما.

14 آنانی که قصد هلاکت جان من دارند، جمیعاً خجل و شرمندۀ شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، به عقب برگردانیده و رسوا گردند.

15 آنانی که بر من هَه هَه می گویند، به سبب خجالت خویش حیران شوند.

16 و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی نمایند و آنانی که نجات تو را دوست دارند، دائماً گویند که خداوند بزرگ است.

17 و اما من مسکین و فقیر هستم و خداوند درباره من تفکر می کند. تو معاون و نجات دهنده من هستی. ای خدای من، تأخیر مفرما.



مزمور 41

برای سالار مغنیان. مزمور داود

1 خوشا بحال کسی که برای فقیر تفکر می کند. خداوند او را در روز بلا خلاصی خواهد داد.

2 خداوند او را محافظت خواهد کرد و زنده خواهد داشت. او در زمین مبارک خواهد بود و او را به آرزوی دشمنانش تسلیم نخواهی کرد.

3 خداوند او را بر بستر بیماری تأیید خواهد نمود. تمامی خوابگاه او را در بیماری اش خواهی گسترانید.

4 من گفتم: «ای خداوند بر من رحم نما. جان مرا شفا بده زیرا به تو گناه ورزیده ام.»

5 دشمنانم درباره من به بدی سخن می گویند که کی بمیرد و نام او گم شود.

6 واگر برای دیدن من بیاید، سخن باطل می گوید و دلش در خود شرارت را جمع می کند. چون بیرون رود آن را شایع می کند.

7 و جمیع خصمانم با یکدیگر بر من نمایی می کنند و درباره من بدی می اندیشند،

8 که «حادثه ای مهلک بر او ریخته شده است. و در حال که خوابیده است دیگر نخواهد برخاست.»

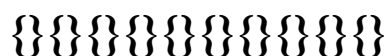
9 و آن دوست خالص من که بر او اعتماد می داشتم که نان مرا نیز می خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرد.

10 و اما تو ای خداوند بر من رحم فرموده، مرا برپا بدار تا مجازات بدیشان رسانم.

11 از این می دانم که در من رغبت داری زیرا که دشمنم بر من فخر نمی نماید.

12 و مرا به سبب کمالم مستحکم نموده ای و مرا به حضور خویش دائماً قائم خواهی نمود.

13 یهوه خدای اسرائیل متبارک باد. از ازل تا به ابد. آمین و آمین.



مزمور 42

برای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

1 چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خدا جان من اشتیاق شدید برای تو دارد.

2 جان من تشنه خداست تشنه خدای حی، که کی بیایم و به حضور خدا حاضر شوم.

3 اشکهایم روز و شب نان من می بود، چون تمامی روز مرا می گفتند: «خدای تو کجاست؟»

4 چون این را بیاد می آورم، جان خود را بر خود می ریزم. چگونه با جماعت می رفتم و ایشان را به خانه خدا پیشروی می کردم، به آواز ترنم و تسبیح در گروه عید کنندگان.

5 ای جانم چرا منحنی شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت.

6 ای خدای من، جانم در من منحنی شد. بنابراین تو را از زمین اُردُن یاد خواهم کرد، از کوههای حرمون و از جبل مِصْعَر.

7 لَجّه به لَجّه ندا می دهد از آواز آبشارهای تو؛ جمیع خیزابها و موجهای تو بر من گذشته است.

8 در روز خد/وند رحمت خود را خواهد فرمود، و در شب سرود او با من خواهد بود و دعا نزد خدا حیات من.

9 به خدا گفته ام: «ای صخره من چرا مرا فراموش کرده ای؟ چرا به سبب ظلم دشمن ماتم کنان تردد بکنم؟»

10 دشمنانم به کوبیدگی در استخوانهایم مرا ملامت می کنند، چونکه همه روزه مرا می گویند: «خدای تو کجاست؟»

11 ای جان من چرا منحنی شده و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است.

مزمور 44

برای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

1 ای خدا به گوشهای خود شنیده ایم و پدران ما، ما را خبر داده اند، از کاری که در روزهای ایشان و در ایام سلف کرده ای.

2 تو به دست خود امت ها را بیرون کردی، اما ایشان را غرس نمودی. قومها را تباه کردی، اما ایشان را منتشر ساختی.

3 زیرا که به شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند و بازوی ایشان ایشان را نجات نداد بلکه دست راست تو و بازو و نور روی تو. زیرا از ایشان خرسند بودی.

4 ای خدا تو پادشاه من هستی، پس بر نجات یعقوب امر فرما.

5 به مدد تو دشمنان خود را خواهیم افکند و به نام تو مخالفان خویش را پایمال خواهیم ساخت.

6 زیرا بر کمان خود توکل نخواهم داشت و شمشیرم مرا خلاصی نخواهد داد.

7 بلکه تو ما را از دشمنان ما خلاصی دادی و مُبَغِضان ما را خجل ساختی.

8 تمامی روز بر خدا فخر خواهیم کرد و نام تو را تا به ابد تسبیح خواهیم خواند. سلاه.

9 لیکن الآن تو ما را دور انداخته و رسوا ساخته ای و با لشکرهاي ما بیرون نمی آیی.

10 و ما را از پیش دشمن روگردان ساخته ای و خصمان ما برای خویشتن تاراج می کنند.

11 ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده ای و ما را در میان امت ها پراکنده ساخته ای.

12 قوم خود را بی بهاء فروختی و از قیمت ایشان نفع نبردی.

13 ما را نزد همسایگان ما عار گردانیدی اهانت و سخریه نزد آنانی که گرداگرد مایند.

14 ما را در میان امّت ها ضرب المثل ساخته ای، جنبانیدن سر در میان قومها.

15 و رسوایی من همه روزه در نظر من است و خجالت رویم مرا پوشانیده است.

16 از آواز ملامت گو و فحاش، از روی دشمن و انتقام گیرنده.

17 این همه بر ما واقع شد اما تو را فراموش نکردیم و در عهد تو خیانت نورزیدم.

18 دل ما به عقب برنگردید و پایهای ما از طریق تو انحراف نورزید.

19 هرچند ما را در مکان اژدرها کوبیدی و ما را به سایه موت پوشانیدی.

20 نام خدای خود را هرگز فراموش نکردیم و دست خود را به خدای غیر برنیفراشتیم.

21 آیا خدا این را غوررسی نخواهد کرد؟ زیرا او خفایای قلب را میداند.

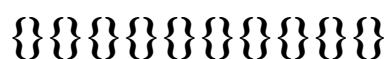
22 هرآینه به خاطر تو تمامی روز کشته می شویم و مثل گوسفندان ذبح شمرده می شویم.

23 ای خدا/وند بیدار شو! چرا خوابیده ای؟ برخیز و ما را تا به ابد دور مینداز.

24 چرا روی خود را پوشانیدی و ذلت و تنگی ما را فراموش کردی؟

25 زیرا که جان ما به خاک خم شده است و شکم ما به زمین چسبیده.

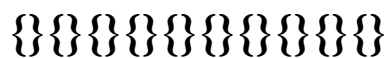
26 به جهت اعانت ما برخیز و بخاطر رحمانیت خود ما را فدیة ده.



مزمور 45

برای سالار مغنیان بر سوسن‌ها. قصیده بنی قورح
سرود حبیبیات

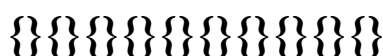
- 1** دل من به کلام نیکو می جوشد. انشاء خود را درباره پادشاه می گویم.
زبان من قلم کاتب ماهر است.
- 2** تو جمیل تر هستی از بنی آدم و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است.
بنابراین، خدا تو را مبارک ساخته است تا ابدالآباد.
- 3** ای جبار شمشیر خود را بر ران خود ببند، یعنی جلال و کبریایی خویش
را.
- 4** و به کبریایی خود سوار شده، غالب شو به جهت راستی و حلم و عدالت؛
و دست راستت چیزهای ترسناک را به تو خواهد آموخت.
- 5** به تیرهای تیز تو امت ها زیر تو می افتند و به دل دشمنان پادشاه فرو
می رود.
- 6** ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است؛ عصای راستی عصای سلطنت تو
است.
- 7** عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی. بنابراین، خدا، خدای تو تو
را به روغن شادمانی بیشتر از رفقاییت مسح کرده است.
- 8** همه رختهای تو مُرّ و عود و سلیخه است، از قصرهای عاج که به تارها
تو را خوش ساختند.
- 9** دختران پادشاهان از زنان نجیب تو هستند. ملکه به دست راستت در
طلای اوفیر ایستاده است.
- 10** ای دختر بشنو و ببین و گوش خود را فرادار، و قوم خود و خانه پدرت
را فراموش کن،
- 11** تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خداوند تو است پس او را
عبادت نما.



مزمور 46

برای سالار مغنیان بنی قورح بر علاموت

- 1** خدا ملجا و قوّت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می شود.
- 2** پس نخواهیم ترسید، اگر چه جهان مبدل گردد و کوهها در قعر دریا به لرزش آید.
- 3** اگر چه آبهایش آشوب کنند و به جوش آیند و کوهها از سرکشی آن متزلزل گردند. سلاه.
- 4** نهری است که شعبه هایش شهر خدا را فرحناک می سازد و مسکن قدوس حضرت اعلی را.
- 5** خدا در وسط اوست پس جنبش نخواهد خورد. خدا او را اعانت خواهد کرد در طلوع صبح.
- 6** امّت ها نعره زدند و مملکتها متحرک گردیدند. او آواز خود را داد. پس جهان گداخته گردید.
- 7** یهوّه صباوت با ماست، و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سلاه.
- 8** بیایید کارهای خدا/وند را نظاره کنید، که چه خرابیها در جهان پیدا نمود.
- 9** او جنگها را تا اقصای جهان تسکین می دهد؛ کمان را می شکند و نیزه را قطع می کند و ارا به ها را به آتش می سوزاند.
- 10** بازایستید و بدانید که من خدا هستم؛ در میان امّت ها متعال و در جهان، متعال خواهم شد.
- 11** یهوّه صباوت با ماست و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سلاه.



برای سالار مغنیان. بنی قورح

2 زیرا خداوند متعال و مهیب است و بر تمامی جهان خدای بزرگ.

4 میراث ما را برای ما خواهد برگزید یعنی جلالت یعقوب را که دوست می دارد. سید لاه

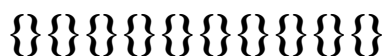
5 خدا به آواز بلند صعود نموده است؛ خداوند به آواز کرنا.

6 تسبیح بخوانید، خدا را تسبیح بخوانید. تسبیح بخوانید، پادشاه ما را تسبیح بخوانید.

7 زیرا خدا پادشاه تمامی جهان است. به خردمندی تسبیح بخوانید.

8 خدا پر امّت ها سلطنت می کند. خدا بر تخت قدس خود نشسته است.

9 سروران قوم ها با قوم خدای ابراهیم جمع شده اند زیرا که سپرهای جهان از آن خداست. او بسیار متعال می باشد.



حماقت اعتماد بر ثروت

مزمور 49

برای سالار مغنیان. مزمور بنی قورح

- 1 ای تمامی قوم ها این را بشنوید! ای جمیع سکنه ربع مسکون این را گوش گیرید!
- 2 ای عوام و خواص! ای دولتمندان و فقیران جمیعاً!
- 3 زبانم به حکمت سخن می راند و تفکر دل من فطانت است.
- 4 گوش خود را به مَثلی فرا می گیرم. معمای خویش را بر بربط می گشایم.
- 5 چرا در روزهای بلا ترسان باشم، چون گناه پاشنه هایم مرا احاطه می کند؟
- 6 آنانی که بر دولت خود اعتماد دارند و بر کثرت توانگری خویش فخر می نمایند.
- 7 هیچ کس هرگز برای برادر خود فدیّه نخواهد داد و کفّاره او را به خدا نخواهد بخشید.
- 8 زیرا فدیّه جان ایشان گران بهاست و ابداً بدان نمی توان رسید.
- 9 تا زنده بماند تا ابدالآباد و فساد را نبیند.
- 10 زیرا می بیند که حکیمان می میرند و جاهلان و ابلهان با هم هلاک می گردند و دولت خود را برای دیگران ترک می کنند.
- 11 فکر دل ایشان این است که خانه های ایشان دائمی باشد و مسکنهای ایشان دُوربه دُور؛ و نامهای خود را بر زمینهای خود می نهند.
- 12 لیکن انسان در حرمت باقی نمی ماند، بلکه مثل بهایم است که هلاک می شود.
- 13 این طریقه ایشان جهالت ایشان است و اعقاب ایشان سخن ایشان را می پسندند، سلاه.

14 مثل گوسفندان در هاویه رانده می شوند و موت ایشان را شبانی می کند و صبحگاهان راستان در هاویه پیوسیده خواهد شد تا مسکنی برای آن نباشد.

15 لیکن خدا مرا از دست هالویه نجات خواهد داد زیرا که مرا خواهد گرفت، سلاه.

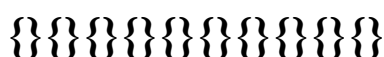
16 پس ترسان مباش، چون کسی دولتمند گردد و جلال خانه او افزوده شود!

17 زیرا چون بمیرد، چیزی از آن نخواهد برد و جلالش در عقب او فرو نخواهد رفت.

18 زیرا در حیات خود، خویشتن را مبارک می خواند؛ و چون بر خود احسان می کنی، مردم ترا می ستایند.

19 لیکن به طبقه یدران خود خواهد پیوست که نور را تا به ابد نخواهند دید.

20 انسانی که در حرمت است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک می‌شود.



مزمور 50

مزمور آساف

1 خدا، خدا یهوه تکلم می کند و زمین را از مَطْلَعِ آفتاب تا به مغربش می خواند.

2 از صهیون که کمال زیبایی است، خدا تجلّی نموده است.

3 خدای ما می آید و سکوت نخواهد نمود. آتش پیش روی او می بلعد و طوفان شدید گرداگرد وی خواهد بود.

4 آسمان را از بالا می خواند و زمین را، تا قوم خود را داوری کند:

5 «مقدسان مرا نزد من جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بسته اند.»

6 و آسمانها از انصاف او خبر خواهند داد، زیرا خدا خود داور است. سلاه.

7 «ای قوم من بشنو تا سخن گویم، و ای اسرائیل تا برایت شهادت دهم که خدا، خدای تو من هستم.»

8 درباره قربانی هایت تو را توبیخ نمی کنم و قربانی های سوختنی تو دائماً در نظر من است.

9 گوساله ای از خانه تو نمی گیرم و نه بزى از آغل تو.

10 زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن منند و بهایمی که بر هزاران کوه می باشند.

11 همه پرندگان کوهها را می شناسم و وحوش صحرا نزد من حاضرند.

12 اگر گرسنه می بودم تو را خبر نمی دادم، زیرا ربع مسکون و پُری آن از آن من است.

13 آیا گوشت گاوان را بخورم و خون بزها را بنوشم؟

14 برای خدا قربانی تشکر را بگذران، و نذرهای خویش را به حضرت اعلی وفا نما.

15 « پس در روز تتگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی.»

16 و اما به شریر خدا می گوید: «ترا چه کار است که فرایض مرا بیان کنی و عهد مرا به زبان خود بیاوری؟»

17 چونکه تو از تأدیب نفرت داشته ای و کلام مرا پشت سر خود انداخته ای.

18 چون دزد را دیدی او را پسند کردی و نصیب تو با زناکاران است.

19 دهان خود را به شرارت گشوده ای و زبانت حيله را اختراع می کند.

20 نشسته ای تا به ضد برادر خود سخن رانی و درباره پسر مادر خویش غیبت گویی.

21 این را کردی و من سکوت نمودم. پس گمان بردی که من مثل تو هستم. لیکن تو را توبیخ خواهم کرد. و این را پیش نظر تو به ترتیب خواهم نهاد.

22 ای فراموش کنندگان خدا، در این تفکر کنید! مبادا شما را بدرم و رهاننده ای نباشد.

23 هر که قربانی تشکر را گذراند مرا تمجید می کند، و آنکه طریق خود را راست سازد، نجات خدا را به وی نشان خواهم داد.»

